



The mediating effect of moral foundations on the relationship between structure and marital satisfaction in Tehran

Zahra Alibakhshi¹

1. Faculty member, Islamic Studies Department, Payame Noor University, Tehran, Iran.

Email: zahraalibakhshi@pnu.ac.ir

Volume info

Vol. 21
Series: 74
Spring 2026

Article Type

Research Paper

Article History

Received:
10 November 2023

Revised:
13 October 2024

Accepted:
20 November 2024

Published:
21 April 2026

ISSN – E-ISSN

ISSN: 2645-4955
E-ISSN: 2645-5269



Abstract

Marital satisfaction is an essential factor in the stability of the family as one of the main pillars of society, and various cognitive and behavioral factors have an effect on it. For this reason, the aim of the present study was to model the structural relationships between the power structure, moral foundations and marital satisfaction in married women living in Tehran. The statistical population of this research was made up of married women in Tehran. Considering the size of the population over one hundred thousand people, based on Cochran and Morgan's relationship, 393 samples were included in the research, which satisfies the minimum number of 384 samples. One cluster was sampled. Then, three questionnaires of power structure in the family, marital satisfaction questionnaire and moral foundations questionnaire were distributed among the samples. Then the data were analyzed using Pearson correlation method and structural equation method in SPSS28 and AMOS24 software. Findings: Based on the obtained results, it was observed that there was a positive and significant correlation with an intensity of 0.48 between marital satisfaction and moral foundations. Also, moral foundations and marital satisfaction had a negative and significant correlation with the intensity of -0.28 and -0.25 with the power structure. The structural equation model also confirmed these results. Also, using the bootstrapping model, the indirect effect of power structure on marital satisfaction through the mediation of moral foundations was investigated and confirmed ($p < 0.05$). Based on the observed findings, it should be stated that the relationship between the power structure and marital satisfaction has moral foundations, and couples should receive the necessary training in this regard so that the foundation of the family can be further strengthened.

Keywords : Family, Marital Satisfaction, Moral Foundations, Power Structure

Cite this Paper: Alibakhshi Z. (2026). The mediating effect of moral foundations on the relationship between structure and marital satisfaction in Tehran. Journal of The Women and Families Cultural-Educational. 21(74), 71-91



Publisher:
Imam Hossein University.

©
The Author(s).



اثر واسطه‌ای بنیان‌های اخلاقی بر رابطه بین ساختار قدرت و رضایت زناشویی در

شهر تهران

زهره‌ا علی‌بخشی^۱

Email: zahraalibakhshi@pnu.ac.ir

۱. عضو هیات علمی، گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده

رضایت زناشویی عاملی اساسی در پایداری خانواده به عنوان یکی از ارکان اصلی جامعه بوده و عوامل مختلف شناختی و رفتاری بر روی آن اثرگذار است. در این راستا هدف پژوهش حاضر مدلیابی روابط ساختاری میان ساختار قدرت، بنیان‌های اخلاقی و رضایت زناشویی در زنان متأهل ساکن شهر تهران بود. جامعه آماری این پژوهش را زنان متأهل شهر تهران تشکیل دادند. با توجه به حجم جامعه بالای یکصد هزار نفری، براساس رابطه کوکران و مورگان، ۳۹۳ نمونه وارد پژوهش شدند. نمونه‌ها به صورت خوشه‌ای-تصادفی انتخاب شد و از مناطق ۲۲ گانه شهر تهران انتخاب شدند، بدین صورت که هر منطقه به عنوان یک خوشه در نظر گرفته شد و سپس در هر خوشه به صورت تصادفی اقدام به نمونه گیری شد. سپس سه پرسشنامه ساختار قدرت در خانواده، پرسشنامه رضایت زناشویی و پرسشنامه بنیان‌های اخلاقی میان نمونه‌ها توزیع گردید. داده‌ها با استفاده از روش همبستگی پیرسون و روش معادلات ساختاری در نرم‌افزار SPSS28 و AMOS24 تحلیل شد. نتایج بدست آمده نشان داد که همبستگی مثبت و معنی‌داری با شدت ۰٫۴۸، میان رضایت زناشویی و بنیان‌های اخلاقی وجود داشته است همچنین بنیان‌های اخلاقی و نیز رضایت زناشویی همبستگی منفی و معنی‌داری با شدت ۰٫۲۸- و ۰٫۲۵- با ساختار قدرت داشتند. مدل معادلات ساختاری نیز این نتایج را تایید نمود. با استفاده از مدل بوت استرپینگ اثر غیرمستقیم ساختار قدرت بر رضایت زناشویی با میانجی‌گری بنیان‌های اخلاقی بررسی و مورد تایید قرار گرفت ($p < 0.05$). براساس یافته‌ها مشاهده شد که بنیان‌های اخلاقی بر رابطه بین ساختار قدرت و رضایت زناشویی تاثیر معنی‌داری داشته و باید زوجین در این راستا آموزش‌های لازم را ببینند تا بنیان خانواده تحکیم بیشتری یابد.

کلیدواژه‌ها: خانواده، رضایت زناشویی، بنیان‌های اخلاقی، ساختار قدرت.

سال و شماره

سال ۲۱، پیاپی: ۷۴

بهار ۱۴۰۵

سال و شماره

مقاله پژوهشی

سابقه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۷/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۳۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۲/۰۱

شابا چاپی و الکترونیکی

شابا چاپی: ۲۶۴۵-۴۹۵۵

الکترونیکی: ۲۶۴۵-۵۲۶۹



استناد: علی‌بخشی، زهرا. (۱۴۰۵). اثر واسطه‌ای بنیان‌های اخلاقی بر رابطه بین ساختار قدرت و رضایت زناشویی در شهر تهران؟

فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده؛ ۲۱(۷۴)؛ ۷۱-۹۱.

نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین(ع)



OPEN ACCESS

مقدمه و بیان مسئله

خانواده از نظر اسلام از اساسی‌ترین بخش‌های جامعه بوده و به نوعی پایه‌گذار تشکیل جوامع بزرگ‌تر می‌باشد، بدین جهت داشتن کیفیت در این جامعه از اهمیت بالایی برخوردار است که یکی از مواردی که زمینه‌ساز این شرایط را ایجاد می‌نماید، داشتن رضایت از زندگی و پایداری روابط است. بسیاری از زوجین ازدواج را یک عهد مقدس می‌دانند که منجر به تشکیل خانواده می‌شود. پایداری ساختار خانواده به کیفیت روابط زن و شوهر بستگی دارد که از مبانی اخلاقی در خانواده به شمار می‌رود. اخلاق بر مبنای تعالیم الهی و توصیه‌های اسلام داشتن زندگی مشترک همراه با مهر و محبت است. در این راستا اسلام برای استحکام بیشتر خانواده مبانی اخلاقی گسترده‌ای نیز ارائه داده است که اهمیت اخلاق در خانواده را نشان می‌دهد. جامعه ایران که یک جامعه اسلامی بوده، طبیعتاً محور خانواده را اخلاق قرار داده و براساس مبانی اسلامی محوریت شهوت را از خانواده دور ساخته و این خصیصه را از نظر اخلاقی نیز مذمت می‌نماید و همواره در راستای تحکیم خانواده به حفظ اخلاق تاکید داشته است. در همین اساس بر مبنای نظریات شهید مطهری یکی از محورهای تشکیل خانواده الگوی ضابطه‌مندی التذاذ است که این الگو تنها براساس اصول اخلاقی پایبند بوده و نشان از این است که اخلاق در چهارچوب خانواده به عنوان ستونی مستحکم عمل خواهد داشت (فیروزمهر و میرعرب، ۱۳۹۷: ۳). در پژوهش حاضر نیز اخلاق از این دید در نظر گرفته شده است که زوجین در زندگی مشترک به حقوق خود پایبند بوده و احترام و انصاف در روابط را به خوبی در نظر داشته باشند تا بتوانند حتی در صورت تغییر در برخی نقش‌ها در خانواده، مشکلات در زمینه روابط در خانه نشود. روابط ناکارآمد زناشویی یا ازدواج‌های ناموفق نه تنها سلامت روان زوجین را تهدید می‌کند بلکه بقای خانواده را نیز به خطر می‌اندازد و سطح بالایی از استرس و نارضایتی را وارد زندگی می‌نماید. پژوهش (تانگ^۱ و همکاران، ۲۰۲۱: ۲) نشان داده است که عوامل درون فردی، بین فردی و استرس با رشد در رضایت زناشویی ارتباط دارند. با این حال، سهم منحصر به فرد پیش‌بینی کنندگان اولیه و تغییر در این عوامل در ایجاد رضایت زناشویی نادیده گرفته شده است. رضایت زناشویی که حاصل رضایت جنسی و عاطفی است، معیار سنجش کیفیت روابط زوجین است که ارزیابی ذهنی آن‌ها از کیفیت روابطشان را نشان می‌دهد. رضایت زناشویی مفهومی

1. W. Tong

چند بعدی است که شامل جنبه‌های مختلف روابط زناشویی می‌شود، از جمله سازگاری، خوشبختی، یکپارچگی و تعهد. رضایت زناشویی مفهومی چند بعدی است که از جنبه‌های مختلف روابط زناشویی تشکیل شده است (سایه‌میری^۱ و همکاران، ۲۰۲۰: ۴).

رضایت زناشویی یک وضعیت روانی است که به طور خودکار حاصل نمی‌شود، اما به تلاش مداوم زوجین برای تحقق آن نیاز دارد، به‌ویژه در سال‌های اولیه ازدواج، زیرا در این مرحله رضایت زناشویی ناپایدار است و روابط زناشویی در معرض خطر است (سیفی‌قوزلو و همکاران، ۱۳۹۳: ۳). در تعریف رضایت زناشویی می‌توان بیان داشت: احساس عینی رضایت، رضایت و لذتی که زن یا شوهر با در نظر گرفتن تمام جنبه‌های ازدواج خود تجربه می‌کنند. آنها بر این باورند که رضایت زناشویی سازگاری بین موقعیتی است که وجود دارد و موقعیتی که انتظار می‌رود. بر اساس این تعریف ازدواج زمانی وجود دارد که وضعیت موجود فرد در رابطه زناشویی با وضعیت مورد انتظار و مطلوب فرد مطابقت نداشته باشد (ناعمی و محمدی‌آریا، ۱۳۹۹: ۲). براساس نظر شهید مطهری در منطق اسلام کفو ایمانی در تشکیل خانواده بسیار اهمیت دارد، بدین صورت که برای رسیدن به رضایت و داشتن پایداری در زندگی باید حتما دارای گذشت و ایثار بود که این تاکید بر داشتن گذشت نشان دهنده اهمیت رضایت زناشویی در اسلام می‌باشد (مطهری، ۱۳۸۸: ۴۸). در این پژوهش نیز هدف نهایی داشتن رضایت زناشویی بوده است که در اصل زمینه استحکام و بقای خانواده خواهد بود و به همین منظور در این پژوهش هدف نهایی مسیر بهبود رضایت زناشویی در نظر گرفته شده است.

یک زوج وقتی رضایت زناشویی را تجربه می‌کنند که رابطه زناشویی آنها با آنچه انتظار داشتند سازگار باشد. لذا ازدواج پیوندی است بین دو شخص با شخصیت‌های متفاوت (محمدزاده^۲ و همکاران، ۲۰۰۸: ۳). رابطه عاشقانه طولانی مدت و ایده‌آل مستلزم آن است که افراد در ارزیابی از شریک زندگی خود از ویژگی‌های جسمی فراتر رفته و ویژگی‌های شخصیتی را در نظر بگیرند (کلاکستون^۳ و همکاران، ۲۰۱۲: ۵). عوامل مختلفی مانند وضعیت اقتصادی- اجتماعی، تحصیلات، سن، قومیت، اعتقادات مذهبی، جذابیت جسمی، ضریب هوشی و ارزش‌ها و نگرش‌های شخصی بر

1. K. Sayehmiri

2. E. Mohammadzade

3. A. Claxton

رضایت زناشویی تأثیر می‌گذارد و می‌تواند سطح بالاتری از رضایت زناشویی در زوجین را پیش‌بینی کند (چهره^۱ و همکاران، ۲۰۱۷: ۲).

از مواردی که سبب خواهد شد که پایداری و رضایت از زندگی زناشویی کاهش یابد، تغییر جایگاه و نقش افراد است که سبب خواهد شد به مرور تداخل نقش و زمینه نارضایتی ایجاد شود. بدین منظور باید در نظر داشت که تعریف نقش زن و مرد در خانواده در اسلام تا حدودی مشخص شده است (هرچند ورود به نقش‌های یکدیگر جهت تعالی بهتر خانواده خارج از این بحث خواهد بود) در هر وظیفه‌ای به نوعی ساختار قدرت و وظیفه‌ای خاصی تعریف شده است. در این راستا باید بیان داشت که خانواده نیز مانند سایر نهادهای تشکیل‌دهنده جامعه، در طول تاریخ دستخوش تغییرات عمیقی بوده است. یکی از این تغییرات در تشکیل خانواده به ویژه تعامل بین زن و شوهر، تغییر مفهوم نقش است که باعث تغییر نگرش افراد در توزیع نقش‌ها و در نتیجه تغییر نقش شده است. پژوهشگران بیان کرده‌اند که شواهد مختلف نشان می‌دهد که داشتن منابعی مانند تحصیل، اشتغال یا درآمد زنان در خارج از خانه می‌تواند در تغییر وضعیت زنان تأثیر داشته باشد. زیرا ساختار قدرت بر عزت نفس افراد تأثیر می‌گذارد و عزت نفس بالا فرد را در مقابل انواع مشکلات و مسائل زندگی، فشارهای روانی مقاوم خواهد کرد و بر رضایت از زندگی زناشویی اثر می‌گذارد (بارانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲).

یکی از زمینه‌های کاربرد مفهوم قدرت در گروه‌های کوچک در حوزه خانواده است. بسیاری از محققان بر سر مفهوم قدرت در خانواده توافقی ندارند، اما صرف نظر از تفاوت‌های موجود، از عامل تصمیم‌گیری برای بازنمایی مفهوم قدرت در خانواده استفاده کرده‌اند (بارانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۴). وقتی پرسیده می‌شود چه کسی اعمال قدرت می‌کند، این امر متوجه تصمیم‌گیری‌ها در خانواده است. معنای عام قدرت، توانایی کنترل بر اعمال سایر افراد علی‌رغم میل شان است (محمدی، ۱۳۹۳: ۳). معنایی که جامعه‌شناسان برای تعریف قدرت به کار برده‌اند، برگرفته از اندیشه وبر است. وبر قدرت را رابطه‌ای اجتماعی می‌داند که در آن شخص علی‌رغم هر مقاومتی در موقعیتی قرار می‌گیرد که اراده خود را اعمال کند (عباسی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲). بر اساس این تعریف، هسته اصلی قدرت را می‌توان در «اجبار رفتار بر خلاف میل خود» دید. از سوی دیگر، برخی از جامعه

شناسان بر اساس یافته‌ها، نحوه اعمال قدرت و اجبار افراد به انجام امور را در خانواده طبقه بندی کرده اند (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۲: ۳)

تغییرات اجتماعی ناشی از انقلاب صنعتی با تغییر نقش‌های اجتماعی زنان و مردان به تغییر ساختار قدرت در خانواده‌ها نیز منجر شده است. انقلاب صنعتی شرایط موجود نظام سنتی مردسالار را رد کرده و به دنبال برابری بیشتر قدرت بین زن و مرد است. این خواسته تا حدودی محقق شده و روابط خانوادگی به سمت «دموکراتیزه شدن» پیش رفته است. همچنین نظام سنتی مردسالاری ضعیف شده است. از منظر عملی، سازگاری زناشویی به عنوان هر نظام زوج یا خانواده با هدف تغییر ساختار قدرت، نقش‌ها و قوانین و پاسخ به موقعیت‌های استرس‌زا است (آقابابایی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳). کارکردهای خانواده جنبه‌های زیادی دارد و نه تنها به خانواده مربوط می‌شود، بلکه واکنش آنها را به خانواده نشان می‌دهد، خانواده با گذشت زمان از نظر شکل و ساختار تغییر می‌کند؛ با این حال، آنچه در مورد خانواده بدون تغییر باقی می‌ماند این است که خانواده هنوز یک جامعه اساسی است . (خاکپور و همکاران، ۱۳۹۴: ۳). ساختار قدرت رابطه غیرمستقیمی با رضایت زناشویی دارد و در صورت مثبت بودن بعد قدرت می‌تواند منجر به افزایش رضایت شده و حتی به شرایط شغلی زن نیز وابستگی بالایی دارد (ذولفقارپور و همکاران، ۱۳۸۳: ۳). شکل ساختار قدرت خانواده و ناتوانی زوجین در حل تعارض رابطه زناشویی با ایجاد مثلث نقش مهمی در سازگاری زناشویی دارد (خاکپور و همکاران، ۱۳۹۳: ۳).

اخلاق در بین زوجین باعث رضایت در زندگی زناشویی می‌شود؛ که یعنی در بکار بستن ابزارهای شخصی که یکی از آنها نحوه ساختار قدرت است، باید اصول اخلاقی در نظر گرفته شود (باستانی و دهقانی، ۱۳۹۵: ۲)؛ پس حفظ ساختار قدرت و به صورت همزمان تلاش برای حفظ رضایت از زندگی زناشویی از موارد ضروری برای یک خانواده محسوب می‌شود اما باید توجه داشت که تنها در صورتی این مولفه‌ها از سوی زوجین به صورت کامل در نظر گرفته شده و در زندگی مشترک بکار گرفته می‌شود که هر دو به اصول اخلاقی پایبند بوده و به صورت نهان و آشکار وظایف خود را به خوبی انجام دهند به همین منظور یکی از عوامل مهم و مؤثر در سازگاری زناشویی و نیز پایداری ساختار قدرت، اخلاق است. استفاده از اصول اخلاقی در ابزارهای شخصی در خانواده، چه به صورت آگاهانه و یا غیر آگاهانه باید کنترل شود زیرا زمینه‌ساز ایجاد رضایت و

یا عدم رضایت زوجین در قبال یکدیگر خواهد بود (خانیکی و تبریزی، ۱۳۸۸، ۴). در همین زمینه بیان شده است که مناسبات قدرت و اخلاق همواره زمینه ایجاد تنش‌هایی میان افراد خواهد بود که نشان از رابطه منفی میان این دو در صورت داشتن ابعاد متضاد است (نوروزی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳). همچنین محققین وجود رابطه بین قدرت و رضایت را تایید نمودند (شکری و همکاران، ۱۳۹۹، ۳). روان‌شناسی اخلاقی با بررسی چگونگی شکل‌گیری حوزه‌های مختلف قضاوت اخلاقی توسط عوامل روان‌شناختی متفاوت پاسخ داده است. از منظری دیگر، هرگاه فردی در زمینه زندگی تصمیمی بگیرد، ویژگی‌ها و مبانی اخلاقی می‌تواند پشتوانه محکمی برای تصمیم‌گیری نهایی باشد (بهبودی و همکاران، ۱۳۹۹: ۴). در خانواده نیز در صورتی که پابندی به اصولی نظیر انصاف مدنظر قرار داده شود، میزان انتظارات به صورت مناسب توزیع شده و می‌تواند پایداری و رضایت خانواده را ایجاد نماید. در این راستا باید بیان داشت که داشتن جهت درست در روابط زناشویی از اساسی‌ترین موارد قوانین زندگی مشترک است. حتی در اسلام نیز بر اسوه قرار دادن افراد با اخلاق متعالی تاکید داشته و این نشان از اهمیت اخلاق در خانواده است و از آنجا که اسلام به تحکیم خانواده بسیار اهمیت داده است می‌توان بیان داشت که این اسوه قرار دادن افراد با اخلاق سبب تحکیم خانواده از طریق تعالی اخلاقی زوجین خواهد شد (علیزاده و اسماعیلی‌شاد، ۱۳۹۸: ۳). از اساسی‌ترین زمینه‌های رضایت داشتن، آرامش است که در صورت عدم رعایت حقوق متقابل و در نظر گرفته نشدن زوجین می‌تواند زمینه رضایت را از بین ببرد. تلاطم‌های ناشی از پیاده‌سازی الگو و نقش‌های فردی در خانواده می‌تواند سبب کاهش رضایت زناشویی شود (بریسینی و سالومون^۱، ۲۰۲۱، ۳).

با توجه به ساختار جامعه و بافت فرهنگی و همچنین افزایش آمار طلاق در سال‌های اخیر و افزایش مراجعه کنندگان زن به مراکز مشاوره و دادگاه‌های خانواده، ناکافی بودن تحقیقات انجام شده در مسیر تشکیل خانواده را یکی از عوامل موثر بر طلاق می‌داند. این پژوهش با در نظر گرفتن اثر واسطه‌ای بنیان‌های اخلاقی، سعی در بررسی اثر ساختار قدرت بر رضایت‌مندی زناشویی در شهر تهران دارد. لازم به ذکر است که براساس مطالب بیان شده اهمیت جایگاه قدرت در خانواده به عنوان عنصری مهم در ساختار زندگی زناشویی تلقی خواهد شد که مدیریت و نحوه کاربرد آن به

نوعی ریشه اخلاقی داشته و و در صورت بکار بسته شدن صحیح آن می تواند اثرات مثبت خود را در زندگی نیز ایجاد نماید. هرچند ساختار قدرت در هر گروه افراد وجود داشته و خواهد داشت اما همین ساختار در بسیاری از موارد سبب ایجاد نفاق و دوری در میان افراد شده است که نتیجه استفاده نادرست از جایگاه و قدرت بوده است و خارج از کلیات ساختار قدرت در هر خانواده ایرانی، نحوه استفاده از این جایگاه و پیاده سازی آن اهمیت داشته و سازنده خواهد بود. به همین دلیل در این پژوهش بخشی از نوآوری وارد کردن این متغیر در مسیر ایجاد رضایت زناشویی زوجین بوده است که در پژوهش های پیشین به صورت مستقیم بررسی نشده است.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با روش همبستگی از نوع تحلیل مسیر صورت گرفت. جامعه آماری پژوهش شامل زنان متأهل ساکن در شهر تهران بود. باتوجه به تعداد بیش از ۱۰۰ هزارنفری این زوجین، این جامعه براساس رابطه مورگان و کوکران جامعه نامحدود در نظر گرفته شد (در روش مورگان در جامعه بیش از یک صد هزار نفری تحت عنوان جامعه نامحدود باید حداقل ۳۸۴ نمونه انتخاب و وارد پژوهش شده باشند (حسینی، ۱۳۹۸: ۲) و تعداد ۳۹۳ نمونه انتخاب و وارد پژوهش شد (در ابتدا چهارضد پرسشنامه توزیع گردید تا در صورت نادرست بودن و خارج شدن برخی پرسشنامه ها از پژوهش به حداقل تعداد ۳۸۴ و مورد در جدول مورگان و کوکران رسیده شود و در صورتی که تعداد زیاده تری از پرسشنامه ها حذف شده باید نمونه گیری مجدد صورت داد تا حداقل به عدد ۳۸۴ عدد رسیده شود) که این نمونه ها به صورت تصادفی -خوشه ای انتخاب شد که از مناطق ۲۲ گانه شهر تهران اقدام به نمونه گیری شد. بدین ترتیب که برای هر منطقه از شهر تهران براساس آخرین سرشماری صورت گرفته شده در سال ۱۳۹۵ جمعیت محاسبه شده و با تقسیم جمعیت هر منطقه به جمعیت کل شهر تهران، در صد اختصاص یافته شده به هر منطقه از کل نمونه ها مشخص گردید و سپس در هر منطقه به صورت تصادفی به تعداد نمونه های اختصاص یافته به آن منطقه نمونه گیری به عمل آمد که منطقه بندی (خوشه بندی) و انتخاب تصادفی سبب خواهد شد که نمونه گیری خوشه ای - تصادفی باشد.. بعد از انتخاب هر نمونه ابتدا با توضیح در مورد شرایط و اهداف پژوهش از نمونه ها رضایت کتبی و آگاهانه دریافت شد. معیار ورود به پژوهش متأهل بودن و

داشتن سن بیشتر از ۳۰ سال بود. معیار خروج از پژوهش نیز عدم همکاری مناسب با پژوهش و یا عدم رضایت به ادامه همکاری با پژوهش بود. از لحاظ اخلاقی نیز اصل محرمانگی رعایت شد و این اطمینان به نمونه‌ها داده شد که اطلاعات هویتی آنها محرمانه خواهد ماند سپس با موافقت نهایی نمونه پرسشنامه به آنها ارائه شده و پاسخ‌ها دریافت گردید. ضمناً به نمونه‌ها بیان شد که نتایج پژوهش جهت استفاده به ایشان اطلاع‌رسانی خواهد شد. تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش در دو سطح یافته‌های توصیفی و یافته‌های استنباطی انجام شد. در سطح یافته‌های استنباطی رابطه بین متغیرها با آزمون همبستگی پیرسون و مدل پژوهش با تکنیک مدلسازی معادلات ساختاری (SEM) آزمون برگزار شد. حداکثر سطح خطای آلفا جهت آزمون فرضیه‌ها، مقدار ۰/۰۵ تعیین شد (۰/۰۵/۲). تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزارهای آماری SPSS 28 و AMOS 24 انجام شد.

برای گردآوری داده‌ها در پژوهش حاضر نیز از سه پرسشنامه ساختار قدرت در خانواده، پرسشنامه رضایت زناشویی و پرسشنامه بنیان‌های اخلاقی استفاده شد.

پرسشنامه ساختار قدرت در خانواده: این پرسشنامه توسط مهدوی و صبوری خسروشاهی در سال ۱۳۸۲ توسعه داده شده است (مهدوی و صبوری خسروشاهی، ۱۳۸۲، ۵). پرسشنامه ساختار قدرت در خانواده از ۳۶ گویه و ۳ خرده مقیاس ساخت روابط قدرت (۱۲ سوال)، حوزه‌ها و قلمرو قدرت (۱۴ سوال) و شیوه‌های اعمال قدرت (۱۰ سوال) تشکیل شده است که به منظور سنجش ساختار قدرت در خانواده و ابعاد آن بکار می‌رود. در پژوهش حاضر نیز بررسی پایایی داده‌ها از طریق آزمون آلفای کرونباخ و روایی سازه بررسی شد که در شکل ۱ و جدول ۲ نتایج ارائه شده است.

پرسشنامه رضایت زناشویی: پرسشنامه انریچ برای بررسی میزان رضایت زناشویی انتخاب شد. این پرسشنامه به عنوان یک ابزار تحقیق معتبر در بسیاری از تحقیقات رضایت زناشویی مورد استفاده قرار گرفته است. السان از این پرسشنامه برای بررسی رضایت زناشویی استفاده کرده و معتقد است که این مقیاس مربوط به تغییراتی است که در طول زندگی فرد رخ می‌دهد و نسبت به تغییراتی که در خانواده رخ می‌دهد نیز حساس است. هر یک از موضوعات این پرسشنامه به یکی از زمینه‌های مهم مربوط می‌شود. ارزیابی این زمینه‌ها در یک رابطه زناشویی می‌تواند مشکلات

احتمالی زوجها را توصیف کند یا می‌تواند زمینه‌های قدرت و تقویت را شناسایی کند. این ابزار همچنین می‌تواند به عنوان یک ابزار تشخیصی برای زوج‌هایی که به دنبال مشاوره زناشویی هستند و به دنبال تقویت روابط زناشویی خود هستند، مورد استفاده قرار گیرد. در پژوهش حاضر نیز بررسی پایایی و روایی داده‌ها از طریق آزمون آلفای کرونباخ و روایی سازه بررسی شد که نتایج حاکی از تایید روایی و پایایی این موارد بوده است.

پرسشنامه بنیان‌های اخلاقی: این مقیاس شامل ۳۰ گزاره برای ارزیابی و سنجش ابعاد پنج‌گانه اخلاق است که از نظر هیت و گراهام، ابعاد اساسی و اساسی اخلاق در میان فرهنگ‌ها و هویت‌های مختلف قومی، نژادی و زبانی است. خرده مقیاس‌های این پرسشنامه عبارتند از: (۱) خرده مقیاس مراقبت و آسیب: این بعد مربوط به سیستم‌های دلبستگی ما و توانایی احساس و (دوست نداشتن) درد دیگران و فضیلت‌هایی مانند مهربانی، نجابت و تربیت است. (۲) خرده مقیاس انصاف: این بعد مربوط به فرآیند تکاملی نوع دوستی متقابل است. تولید ایده‌هایی مانند عدالت، حقوق و استقلال. (۳) وفاداری به خرده مقیاس گروهی: این بعد انسان را موجوداتی قبیله‌ای می‌داند که قادر به ایجاد ائتلاف هستند، در این زمینه با فضایی مانند میهن دوستی و ایثار برای این گروه ارتباط دارد. "یکی برای همه و همه برای یکی". (۴) خرده مقیاس احترام به اقتدار: این بعد بر اساس تعاملات اجتماعی سلسله‌مراتبی شکل می‌گیرد. این زمینه با فضایی مانند رهبری از جمله احترام به اقتدار مشروع و احترام به سنت‌ها مرتبط است. (۵) خرده مقیاس خلوص: این بعد مبتنی بر مفاهیم دینی و تلاش برای زندگی در سطحی عالی و اصیل و کمتر حسی است. در پژوهش حاضر نیز بررسی پایایی داده‌ها از طریق آزمون آلفای کرونباخ اندازه‌گیری شد (جدول ۲) که برای آن پرسشنامه بیشتر از ۰,۷ محاسبه گردید و تایید پایایی داده‌ها را نشان داده است. همچنین در بررسی روایی نیز از روایی سازه استفاده شد که با توجه به نتایج حاصله برای ضرایب بار عاملی (شکل ۱) که همگی بیشتر از ۰,۴ بوده است می‌توان گفت روایی سازه این مولفه‌ها نیز تایید شد.

یافته‌های پژوهش

حجم نمونه نهایی پژوهش برابر با ۳۹۳ نفر بود که از نظر جنسیت و وضعیت تاهل، تمامی پاسخگویان را زنان متأهل تشکیل می‌دادند. از نظر میزان تحصیلات، ۳۱ نفر (۷/۹ درصد)

تحصیلات کمتر از دیپلم، ۱۰۲ نفر (۲۶ درصد) دیپلم، ۱۵۶ نفر (۳۹/۷ درصد) فوق دیپلم و لیسانس، ۸۳ نفر (۲۱/۱ درصد) تحصیلات فوق لیسانس و ۲۱ نفر (۵/۳ درصد) تحصیلات دکتری داشتند. میانگین سن پاسخگویان ۳۷/۴۰ سال با انحراف استاندارد ۹/۶۴ سال بود که جوانترین و مسن‌ترین پاسخگو به ترتیب ۲۳ و ۵۴ سال سن داشتند. میانگین مدت زمان زندگی مشترک در نمونه پژوهش ۹/۴۲ سال با انحراف استاندارد ۶/۳۴ سال بود که حداقل و حداکثر مدت زمان زندگی مشترک به ترتیب ۲ و ۲۷ سال بود.

جدول ۱: مشخصات جمعیت‌شناختی نمونه‌ها

سن					میانگین زندگی مشترک
۳۷,۴۰±۹,۴۶					۹,۴۲±۶,۳۴
تحصیلات					
کمتر از دیپلم	دیپلم	فوق دیپلم و لیسانس	فوق لیسانس	دکتری	
۳۱	۱۰۲	۱۵۶	۸۳	۲۱	

در جدول ۲ نتیجه آزمون همبستگی پیرسون و آماره‌های توصیفی آمده است.

جدول ۲: ماتریس همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش و آماره‌های توصیفی متغیرها

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۱. روابط قدرت	—										
۲. حوزه‌های قدرت	۰.۱۵/۰***	—									
۳. شیوه اعمال قدرت	۰.۱۳/۰***	۰.۳۵/۰***	—								

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۴. ساختار قدرت (کل)	۱۱۱/۰	۷۸/۰	۱۱۱/۰	۱							
۵. مراقبت	۵۰/۰	۱۱/۰	۱۰/۰	۱۱۱/۰	۱						
۶. انصاف	۱۱۱/۰	۵۱/۰	۸۸/۰	۱۱/۰	۵۵/۰	۱					
۷. فداکاری	۱۰۰/۰	۵۵/۰	۱۱/۰	۱۱۱/۰	۱۳/۰	۱۱۱/۰	۱				
۸. احترام	۱۱۱/۰	۵۱/۰	۵۱/۰	۱۱۱/۰	۸۵/۰	۱۳/۰	۱۵۰/۰	۱			
۹. خلوص	۱۱۱/۰	۳۱/۰	۷۰/۰	۵۱/۰	۱۵/۰	۱۵/۰	۱۰/۰	۵۵/۰	۱		
۱۰. بنیان های اخلاقی (کل)	۱۱۱/۰	۱۰۰/۰	۱۱۱/۰	۷۸/۰	۵۱/۰	۱۱/۰	۱۱۱/۰	۱۵۰/۰	۱۱۱/۰	۱	
۱۱. رضایت زناشویی	۱۱۱/۰	۱۳/۰	۱۱۱/۰	۱۱۱/۰	۳۳/۰	۳۵/۰	۱۱۱/۰	۸۵/۰	۱۱۱/۰	۷۳/۰	۱

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
میانگین	۱۱/۷۶	۱۸/۰۳	۱۵/۶۱	۳۴/۵۰۱	۶۱/۴۱	۶۵/۶۱	۵۷/۶۱	۴۱/۸۱	۵۴/۸۱	۵۱/۰۰۱	۸۸/۵۳۱
انحراف معیار	۱۵/۶	۶۰/۸	۴۱/۵	۳۴/۸۱	۴۳/۴	۶۱/۳	۵۴/۴	۱۱/۳	۷۰/۴	۴۶/۱۱	۶۳/۸۴
کجی	۷۰/۰	۶۱/۰	۳۰/۰	۳۳/۰	۴۰/۰-	۰۶/۰-	۳۱/۰	۳۸/۰-	۸۴/۰-	۵۶/۰-	۱۱/۰
کشیدگی	۷۱/۰-	۵۱/۰-	۱۵/۰	۱۱/۰	۶۳/۰-	۱۰/۰-	۸۴/۰	۵۱/۰-	۵۱/۰-	۶۵/۰	۴۱/۰
کلوموگروف اسمیرنوف	۸۵۰/۰	۳۴۱/۰	۷۸۰/۰	۵۴۱/۰	۱۳۱/۰	۸۱۰/۰	۶۴۱/۰	۱۱۱/۰	۳۷۰/۰	۶۷۰/۰	۸۶۰/۰
مقدار آلفای کرونباخ	۱۱/۰	۳۷/۰	۶۷/۰	۶۰/۰	۱۷/۰	۳۶/۰	۱۷/۰	۸۷/۰	۱۷/۰	۵۷/۰	۶۷/۰

توجه: * = $p \leq 0.05$ و ** = $p \leq 0.01$

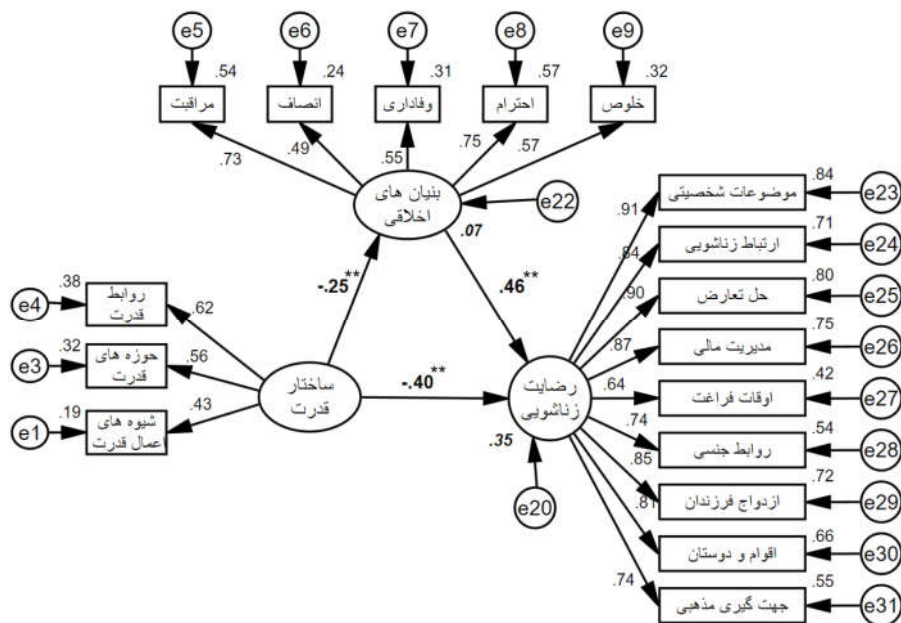
پیش فرض نرمال بودن تک متغیره با شاخص های کجی و کشیدگی بررسی و در جدول ۱ گزارش شد و چون مقادیر کجی و کشیدگی برای تمامی متغیرها در دامنه ۱- تا ۱- بدست آمد، نرمال بودن تک متغیره تایید شد و همچنین با استفاده از آزمون کلوموگروفا اسمیرنوف نیز بررسی در مورد توزیع داده صورت گرفت و نشان داده شد که تمام داده‌ها توزیع نرمال داشتند ($P > 0.05$) و در نتیجه از آزمون همبستگی پارامتریک پیرسون برای بررسی رابطه متغیرها استفاده شد. نرمال

بودن چندمتغیره که پیش فرض آزمون مدلسازی معادلات ساختاری بود با ضریب مردیا بررسی شد که ضریب بدست آمده برابر با ۲/۲۹ بدست آمد که بر اساس معیار ۵ برای ضریب مردیا (برین، ۲۰۱۳: ۳۲). می توان نتیجه گرفت مفروضه نرمال بودن چندمتغیره برقرار بود و در نتیجه از روش های کوواریانس محور و نرم افزار ایموس برای آزمون مدل استفاده شد که حساسیت کمتری نیز نسبت به نرم افزارهای دیگر نظیر لیزرل به تعداد و توزیع نمونه ها داشته است و به دلیل کوواریانس محور بودن تحلیل بهتر از نرم افزارهای مبتنی بر کوواریانس به جای مولفه محور (نظیر PLS) استفاده شود.

مقادیر بدست آمده از آزمون همبستگی بین ۱ و ۱- می باشد که مقدار ۱ نشان از همبستگی صد در صدی و مقدار ۱- حاکی از عکس بودن جهت همبستگی به صورت صد در صدی می باشد و مقدار صفر نیز نشان از عدم همبستگی میان دو متغیر است و هر چه مقدار همبستگی به صفر نزدیکتر باشد، میزان همبستگی کمتر می شود. آزمون همبستگی پیرسون (جدول ۱) نشان داد رابطه معنی داری بین سه متغیر ساختار قدرت، بنیان های اخلاقی و رضایت زناشویی با یکدیگر مشاهده شد ($p < 0/05$). جهت رابطه ساختار قدرت با بنیان های اخلاقی و رضایت زناشویی، منفی بود و جهت رابطه بنیان های اخلاقی و رضایت زناشویی، مثبت بود. شدت همبستگی ساختار قدرت و بنیان های اخلاقی برابر با ۰/۲۸-، شدت همبستگی ساختار قدرت و رضایت زناشویی برابر با ۰/۳۵- و شدت همبستگی بین بنیان های اخلاقی و رضایت زناشویی برابر با ۰/۴۸ بود. قوی ترین رابطه با رضایت زناشویی در بین مولفه های ساختار قدرت مربوط به مولفه حوزه های قدرت ($r = -0/41$) و در بین مولفه های بنیان های اخلاقی مربوط به مولفه انصاف ($r = 0/54$) بود.

مدل مفهومی پژوهش با استفاده از تکنیک مدل سازی معادلات ساختاری (SEM) و در نرم افزار Amos آزمون انجام شد. شکل ۱ مدل تجربی در حالت ضرایب استاندارد است و معنی داری مسیرهای اصلی با علامت ستاره مشخص شده است. همچنین حداقل مقدار بار عاملی برای متغیرهای آشکار یا نشانگرهای مدل، مقدار ۰/۴۰ در نظر گرفته شد که بر این اساس تمامی متغیرهای آشکار یا مولفه ها در مدل باقی ماندند. در راستای تبیین بهتر این مدل باید بیان داشت که براساس مبانی نظری بیان شده در این مقاله، مشخص شد که رابطه مندی میان اخلاق و ساختار

قدرت به خوبی در جامعه آماری این پژوهش تبیین شده است و همین مسئله در زمینه رابطه‌مند بودن ارتباط میان اخلاق و رضایت زناشویی و نیز ساختار قدرت و اخلاق نیز صادق بوده است و نتایج مدل معادلات ساختاری تاییدی بر مبانی موجود بوده است و در این مدل میانجی‌گری بنیان اخلاقی در تاثیر ساختار قدرت در خانواده با رضایت زناشویی نیز به خوبی تایید شده است که هدف اصلی پژوهش حاضر نیز بوده است.



شکل ۱- مدل تجربی در حالت ضرایب مسیر استاندارد (** نشان دهنده معنی داری در سطح اطمینان ۹۹ درصد)

لازم به ذکر است که مقادیر بالاتر از ۰,۴ در ضرایب بار عاملی تایید کننده روایی سازه مولفه موجود خواهد بود که این مقدار به صورت قدرمطلق در نظر گرفته خواهد شد. یعنی ضرایب کمتر از ۰,۴- نیز به صورت ضرایب بار عاملی تایید شده خواهند بود. شکل ۱ مدل در حالت استاندارد است که مطابق نتایج قوی ترین تاثیر در مدل مربوط به تاثیر بنیان‌های اخلاقی بر رضایت زناشویی با ضریب ۰/۴۶ (>۰,۴) و تاثیر ساختار قدرت بر رضایت زناشویی با ضریب ۰/۴۰ (>۰,۴) بود. هر سه مسیر اصلی در مدل در سطح اطمینان حداقل ۹۹ درصد معنی دار بود ($p < 0.01$). شاخص‌های برازش مدل در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. شاخص های برازش مدل

شاخص برازش	R2	AGFI	IFI	NFI	CFI	GFI	SRMR	RMSEA	Chi square/df
نتیجه	۰/۳۵	۰/۷۳	۰/۸۸	۰/۹۲	۰/۸۶	۰/۹۳	۰/۰۷۸	۰/۰۷۵	۳/۵۷

در مجموع با ارزیابی تمامی شاخص های برازش (۳) می توان استنباط کرد در مدل اصلاح شده تمامی شاخص های برازش مقدار متوسط یا مطلوبی دارند. دو شاخص برازش IFI و CFI مقدار متوسطی داشتند و سایر شاخص های برازش مقدار مطلوبی داشتند که نشان داد برازش مدل به طور نسبی تایید شد و داده ها با مدل مفهومی مطابقت داشته و آن را تایید کردند. ضریب تعیین مدل برابر با ۰/۳۵ بود که نشان داد متغیرهای مستقل و میانجی ساختار قدرت و بنیان های اخلاقی توانستند ۳۵ درصد از واریانس رضایت زناشویی را تبیین کنند که نشان از قدرت تبیین متوسط مدل داشت. همچنین بازه تغییرات و مورد قبول برای خنثی دو تعدیل یافته نیز بین ۲ تا ۵ بازه مناسب تلقی خواهد شد که در این پژوهش نیز برابر با ۳,۵۷ شده و نشان از تایید معنی داری متغیرها خواهد بود (هوپر^۱ و همکاران، ۲۰۰۸: ۵). در جدول ۳ نتایج آزمون روابط ساختاری (اثرات مستقیم و غیرمستقیم) آمده است. معنی داری اثر غیرمستقیم با روش بوت استرپینگ و خطای استاندارد حاصل از این روش در نرم افزار ایموس ارزیابی شد.

جدول ۳: نتایج بررسی اثرات مستقیم و غیرمستقیم در مدل تجربی

نوع تاثیر	ضریب غیر	ضریب استاندارد	خطای استاندارد	مقدار t	مقدار p
روابط مستقیم					
ساختار قدرت -> بنیان های اخلاقی	-۰/۴۰	-۰/۲۵	۰/۱۲۸	۳/۱۲	۰/۰۰۲
ساختار قدرت -> رضایت زناشویی	-۰/۷۲	-۰/۴۰	۰/۱۴۶	۴/۹۳	<۰/۰۰۱
بنیان های اخلاقی -> رضایت	۱/۷۳	۰/۴۶	۰/۲۵۴	۶/۸۱	<۰/۰۰۱
روابط غیر					
ساختار قدرت -> بنیان های اخلاقی - < رضایت زناشویی	—	-۰/۱۲	۰/۰۴۷	۲/۵۵	۰/۰۱۲

1. Hooper

نتایج اثرات مستقیم (جدول ۳) نشان داد اثر مستقیم ساختار قدرت بر متغیر میانجی بنیان‌های اخلاقی تایید شد ($\beta = -0.25, p = 0.002 < 0.05$). اثر مستقیم ساختار قدرت بر متغیر وابسته رضایت زناشویی تایید شد ($\beta = -0.40, p < 0.05$)، و همچنین اثر مستقیم بنیان‌های اخلاقی بر رضایت زناشویی تایید شد ($\beta = 0.46, p < 0.05$). مطابق نتایج تمامی اثرات مستقیم در مدل تایید شد و بنیان‌های اخلاقی قوی‌ترین تاثیر را بر رضایت زناشویی داشت. نتایج آزمون بوت استرایپینگ به منظور سنجش معنی‌داری اثر غیرمستقیم نشان داد که اثر غیرمستقیم ساختار قدرت بر رضایت زناشویی با میانجی‌گری بنیان‌های اخلاقی تایید شد ($\beta = -0.12, p < 0.05$). در مجموع یافته‌ها نشان داد ساختار قدرت هم به طور مستقیم و هم با میانجی‌گری بنیان‌های اخلاقی بر رضایت زناشویی موثر بود. براساس این یافته‌ها باید بیان داشت؛ با توجه به اینکه جنس ساختار قدرت بیان شده در این پژوهش به صورت منفی (سلطه‌جویانه) بوده است و ساختار قدرت دارای ماهیت تعاملی بوده، کاهش نمره ساختار قدرت سبب شد بنیان‌های اخلاقی به صورت بهتری پیاده‌سازی و تقویت شود و به دلیل وجود همسویی معنایی این متغیر با رضایت زناشویی، این متغیر نیز به صورت مثبتی افزایش خواهد داشت که نشان از این است که رابطه منفی میان ساختار قدرت و بنیان اخلاقی بدین گونه سبب افزایش و یا کاهش رضایت زناشویی خواهد بود که رابطه مستقیم ساختار قدرت و رضایت زناشویی نیز به دلیل وجود ماهیت تسلط‌جویی در متغیرهای ساختار قدرت و نیز کنترلی بودن برخی متغیرهای آن، منفی مشاهده شده است که براساس همبستگی مثبت میان بنیان اخلاقی و رضایت زناشویی این نوع رابطه نیز قابل پیش‌بینی بود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف پژوهش حاضر بررسی اثر واسطه‌ای بنیان‌های اخلاقی بر رابطه بین ساختار قدرت و رضایت زناشویی در شهر تهران بود. در این راستا روابط میان ساختار قدرت و بنیان اخلاقی، ساختار قدرت و رضایت زناشویی، بنیان اخلاقی و رضایت زناشویی و نقش واسطه‌ای بنیان اخلاقی میان ساختار قدرت و رضایت زناشویی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحلیل همبستگی نشان داد که ساختار قدرت همبستگی منفی با بنیان‌های اخلاقی و رضایت زناشویی داشته است که نشان دهنده‌ی این نکته خواهد بود که مراقبت، انصاف، فداکاری و ... همگی تشکیل دهنده‌ی بنیان‌های

اخلاقی یک فرد هستند و بیشتر در راستای عدالت رفتاری با دیگران خواهد بود و این با نحوه پیاده سازی قدرت و تمرکز بر اعمال قدرت بر روی افراد دیگر سنخیت ندارد که همین عاملی بر منفی بودن این همبستگی بوده است و به همین ترتیب در صورتی که فردی بخواهد اعمال قدرت و نفوذ در روابط زناشویی داشته باشد، قطعاً حس رضایت از بین خواهد رفت زیرا روابط زناشویی بر اساس عقلانیت و عاطفه شکل می گیرد و سلطه جویی جایی در آن نخواهد داشت. مدل معادلات ساختاری ارائه شده نیز نشان داد که همین نکات در مدل نیز به تایید رسیده است که ضریب با عاملی میان رضایت زناشویی و ساختار قدرت ۰,۲۵- و ساختار قدرت و رضایت زناشویی برابر با ۰,۴- بوده است که هر دو این مقادیر به صورت معنی دار ($t > 1.96$) بوده است اما میزان ضریب بار عاملی در ساختار قدرت و بنیان های اخلاقی شدت رابطه کمتری را نشان داده است.

بررسی رابطه ساختار قدرت و رضایت زناشویی

در این راستا مشخص شده است که بخشی از رضایت زناشویی می تواند از طریق ساختارهای قدرت پیشبینی گردد که همسو با نتایج ارائه شده در این پژوهش بوده است (پورشاهیان و همکاران، ۱۴۰۲، ۷). همچنین الگوی ساختار قدرت در خانواده در سازگاری زناشویی نقش مهمی دارد. ساختار قدرت خانواده در ایران در حال تغییر است (خاکپور و همکاران، ۱۳۹۴، ۴). با توجه به تغییری که در ساختار قدرت در خانواده های کشور در حال وقوع است، لذا توجه به مقوله قدرت در خانواده در جلسات مشاوره اهمیت می یابد که این مطلب همسو با این پژوهش می باشد. اظهارات بسیاری از مصاحبه شوندگان حاکی از این بود که تبعیت از هنجارهای سنتی روابط زن و شوهر در مواقعی که سوء استفاده از قدرت وجود ندارد به میزان صمیمتی که میان آنان برقرار است به رضایت از زندگی زناشویی می انجامد (محمدی، ۱۳۹۳، ۶). همچنین یافته ها نشان می دهد سطح تحصیلات، درآمد، شغل، در داشتن قدرت اثرگذار است. از آنجا که طی سال های اخیر سطح تحصیلات و درآمد ناشی از مشاغل بانوان در جامعه افزایش یافته، موجب شده آنان در تصمیمات خانواده بیش از گذشته مشارکت نمایند. نتایج نشان داد، رابطه بین ساختار قدرت و رضایت زناشویی منفی بود، این نشان می دهد چنانچه تصمیم گیری با سلطه گری همراه باشد اثر معکوس در زندگی داشته و همچنین تاثیر نامطلوبی بر رضایت زناشویی خواهد گذاشت.

بررسی رابطه ساختار قدرت و بنیان اخلاقی

اخلاق پایه‌ای قوی برای زندگی مشترک انسان‌ها در توافق و همکاری است و در نتیجه تعامل بین آنها امید جمعی آنها را برای بقا و تولید مثل بهبود می‌بخشد. در دهه‌های اخیر، اهمیت توجه به جایگاه اخلاق در خانواده آشکارتر شده است. دامنه اخلاق و استدلال اخلاقی نیز از این موضوع مستثنی نیست (آقابابایی و همکاران، ۱۳۹۶، ۳). نتایج بررسی‌های ارائه شده در این پژوهش نشان داد که ساختار قدرت و بنیان‌های اخلاقی رابطه منفی با یکدیگر داشته به نحوی که در صورت کاهش روش‌های پیاده سازی قدرت در خانواده و پیاده‌سازی درست و براساس در نظر داشتن حقوق همسر، می‌تواند سبب بهبود در روابط شود و این روابط نیز لازمه این است که پیاده سازی قدرت براساس اصول اخلاق پیاده‌سازی شود. در این زمینه نشان داده شده است که در صورت نیاز به رضایت‌مندی و نیز داشتن نتایج مثبت در مدیریت هر مجموعه باید ارتباط میان اخلاق و قدرت در نظر گرفته شود (عباسی و همکاران، ۱۴۰۰، ۳) و به نوعی میان اخلاق و قدرت ارتباط معنی‌داری تایید شده است که همسو با نتایج پژوهش حاضر می‌باشد.

بررسی رابطه بنیان اخلاقی و رضایت زناشویی

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که میان رضایت زناشویی و بنیان‌های اخلاقی همبستگی مثبت معنی‌داری با شدت ۰,۴۸ وجود داشته است که حاکی از رابطه قوی میان این دو متغیر بوده است و با بررسی مولفه‌های متغیر بنیان‌های اخلاقی مشخص می‌شود که خروجی این مولفه تماماً به احترام و عدالت در روابط خواهد انجامید که این دیدگاه در نظرات نمونه‌ها نیز مشخص شده است. پژوهش‌های حاکی از این است که سطوح بالاتر تعهد و بنیان‌های اخلاقی مثبت، پیش‌بینی‌کننده سطح بالاتر رضایت زناشویی خواهد بود. همچنین نقش میانجی تعهد زناشویی در رابطه بنیان‌های اخلاقی مراقبت، وفاداری، و پاکی با رضایت زناشویی تایید شد (علیزاده‌فرد و رزاقی، ۱۴۰۰، ۱). این نتایج نشان داد که با هدف قراردادن بنیان‌های اخلاقی می‌توان تعهد و رضایت زناشویی را تقویت نمود. همچنین نتایج مشابهی در راستای توانایی پیش‌بینی بودن بنیان‌های اخلاقی برای رضایت زناشویی را تایید شده است (بهبودی و همکاران، ۱۳۹۹، ۱). همچنین در موردی مشابه نشان داده

شد که بین بنیان‌های اخلاقی با نقش میانجی نگرش مذهبی و رفتار اجتماعی با رضایت از زندگی کارکنان زن رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد (علیزاده و اسماعیلی شاد، ۱۳۹۸، ۴).

بررسی نقش میانجی‌گری بنیان اخلاقی در ارتباط با ساختار قدرت و رضایت زناشویی

باتوجه به اینکه یکی از عوامل مهم تحکیم خانواده رضایت زناشویی است، یکی از مباحث اثرگذار که باعث می‌شود بین قدرت و رضایت زناشویی تعادل ایجاد گردد، مولفه بنیان اخلاقی است زیرا شاخصه‌هایی چون انصاف، فداکاری و... مواردی است که باعث می‌شود؛ زوجین با لحاظ کردن آنان بتوانند در تصمیم‌گیری‌های خود حد و دو ظایف خود را رعایت نموده و با بکارگیری شاخصه‌های اخلاقی، رضایت زناشویی در زندگی افزایش و تقویت پیدا نماید. برای اساس یکی از موضوعات با اهمیت در اسلام مسئله اخلاق است. اسلام همگان را به اخلاق‌مداری و پیروی از الگوهای متعالی دعوت می‌کند. بدین دلیل که عدم رعایت این مسئله منجر به رفتارهای سلطه‌جویی در خانواده شده و باعث نارضایتی زوجین می‌گردد. از آنجا که خانواده در اسلام از تقدس ویژه‌ای برخوردار است با تاکید بر حفظ مبانی اخلاقی در زندگی، رضایت زناشویی را افزایش داده و زمینه سازگاری بیش از پیش زوجین را فراهم می‌نماید. باتوجه به وجود اختلافات گسترده و ناسازگاری زوجین در حال حاضر نشان از این مسئله است که افراد آگاهی و شناخت کافی از مبانی اخلاقی و یا مهارت بکارگیری آن را در زندگی ندارند، لذا ضروری است برای ارتقاء کیفیت زندگی و سازگاری زوجین، آموزش لازم در این زمینه صورت گیرد. باتوجه به مطالب بیان شده توصیه می‌شود مشاوران خانواده و مسئولین این حوزه خانواده‌ها را به استفاده از معیارهای اخلاقی دعوت نمایند تا بدینوسیله تعارضات و اختلافات زوجین را کاهش و بسوی رضایت‌مندی از زندگی سوق دهند.

کد اخلاق

این پژوهش با بررسی در کمیته اخلاق دانشگاه پیام نور، از لحاظ اخلاقی تایید شده است.

Refrence

- Abbasi, Najmeh, Soheili, Behzad and Faraji, Gholamreza. (2012). The relationship between work ethics and managers' power resources with job satisfaction of employees of the General Directorate of Sports and Youth of Alborz Province. *Quarterly Journal of Sports Sciences*, 14(45), 212-230. [In Persian]
- Aghababaei, Naser, Talaei Pashiri, Amirreza, and T-Quantes, Catherine. (2017). Investigating the relationships between personality traits, moral foundations, and work ethic in Iranian and Canadian students. *Cultural Psychology*, 1(2): 1-22.[In Persian]
- Alizadeh Fard, Susan and Razzaghi, Maryam. (1400). Investigating the structural model of the relationship between marital satisfaction and cognitive-moral foundations and marital commitment. *Persian Journal of Counseling and Psychotherapy*, 12(47), 259-282. [In Persian]
- Alizadeh, Raheleh and Esmacili Shad, Behrang. (2019). Investigating the relationship between moral foundations and life satisfaction of female employees by testing the mediating role of religious attitude and social behavior. *Social Psychology*, 7(52), 51-64. [In Persian]
- Barani, Motaharah, Zarei, Iqbal, and Fallahchay, Seyed Reza. (2015). Studying the structure of family power with regard to women's satisfaction with marital life among women in Bandar Abbas. *The Second National Conference on Sustainable Development in Educational Sciences and Psychology, Social and Cultural Studies, Tehran*. [In Persian]
- Bastani, Susan and Dehghani Sanij, Maryam Al-Sadat (2016). Investigating the role of morality in couples' relationships and its impact on marital satisfaction (Case study: couples living in Yazd). *National Conference on Family Changes and Its Challenges in Iran*. [In Persian]
- Behboudi, Masoumeh, Rostami, Robabeh and Janghou, Elham (2019). Determining the role of moral foundations and frustration tolerance in predicting marital adjustment of married women. *Rooyesh Psikhologi*, 9(10), 17-26. [In Persian]
- Brisini, K. S. C., & Solomon, D. H. (2021). Distinguishing relational turbulence, marital satisfaction, and parenting stress as predictors of ineffective arguing among parents of children with autism. *Journal of Social and Personal Relationships*, 38(1), 65-83.
- Byrne, B. M. (2013). *Structural equation modeling with Mplus: Basic concepts, applications, and programming*. routledge .
- Chehreh, H., Ozgoli, G., Abolmaali, K., & Nasiri, M. (2017). The relationship between personality traits and marital satisfaction based on five factors model of personality: A systematic review. *Scientific Journal of Kurdistan University of Medical Sciences*, 22(5), 121-132 .
- Claxton, A., O'Rourke, N., Smith, J. Z., & DeLongis, A. (2012). Personality traits and marital satisfaction within enduring relationships: An intra-couple discrepancy approach. *Journal of Social and Personal Relationships*, 29(3), 375-396 .
- Firoozmehr, Mohammad Mehdi and Mir-Arab, Farajollah. (2018). Moral models of returning to the family in the contemporary world with emphasis on the theory of Shahid Motahari. *Quarterly Scientific-Promotional Journal in the Field of Ethics*, 32(54), 71-94. [In Persian]
- Hooper, D., Coughlan, J., Mullen, M. R., Mullen, J., Hooper, D., Coughlan, J., & Mullen, M. R. (2008). **Structural equation modelling: guidelines for determining model fit structural equation modelling: guidelines for determining model fit**. Dublin Institute of Technology ARROW@ DIT, 6 (1), 53-60.

- Hosseini, Abdullah. (2019). Investigating the relationship between spiritual intelligence and religious beliefs in students of Shahid Beheshti Campus, Bandar Abbas. *Journal of Humanities Education*, 5(17), 84-91. [In Persian]
- Khakpour, Iman, Nazari, Ali Mohammad and Zahrakar, Kianoush. (2015). The role of family power structure dimensions in marital adjustment. *Quarterly Cultural-Educational Journal of Women and Family*, 9(4), 7-27. [In Persian]
- Khakpour, Iman, Nazari, Ali Mohammad, and Zahrakar, Kianoush. (2014). Predicting marital adjustment based on triangulation and power structure in the family. *Thought and Behavior in Clinical Psychology*, 9(33), 37-46. [In Persian]
- Khaniki, Hadi and Tabrizi, Mansoureh. (2009). Satisfaction with marital life through moral attitude and action. *Quarterly Journal of Social Sciences*, 16(46), 187-228. [In Persian]
- Mahdavi, Mohammad Sadeq and Sabouri Khosrowshahi, Habib. (2003). Investigating the structure of power distribution in the family. *Social Psychological Studies of Women*, 1(2), 25-65. [In Persian]
- Mohammadi, Seyyed Beyuk. (2014). Traditional model of power structure in some Iranian families. *Journal of Women's Research*, 5(10), 112-137. [In Persian]
- Mohammadzade Ebrahimi, A., Jomehri, F., & Borjali, A. (2007). The Relationship between Similarity and Complementarities in Personality Factors with Marital Satisfaction. *Educational Psychology*, 3(10), 70-85.
- Motahari, Morteza. (2009). Collection of Works of Shahid Motahari, Vol. 27, Tehran, Mulla Sadra. [In Persian]
- Naemi, Ayoub and Mohammadi Aria, Alireza. (2019). The relationship between emotional expressiveness and marital adjustment and boredom and its comparison between blind and sighted couples. *Psychology of Exceptional Individuals*, 10(38), 97-116.
- Norouzi, Mohammad Javad and Borjian Yazdi, Mohammad Hossein. (2018). A review and critique of Morgenthau's view on the relationship between morality and power. *Journal of Ethics Research*, 11(39), 31-50. [In Persian]
- Pourshahian, Roya, Karimi, Majid Reza and Rasek, Keramatullah. (1402). Sociological explanation of the relationship between power structure and marital adjustment in families in Jahrom city. *Women and Family Studies*, 16(60). [In Persian]
- Sayehmiri, K., Kareem, K. I., Abdi, K., Dalvand, S., & Gheshlagh, R. G. (2020). The relationship between personality traits and marital satisfaction: a systematic review and meta-analysis. *BMC psychology*, 8(1), 15 .
- Seifi-Ghoulou, Seyed Javad, Hamidi, Omid, Sharifi, Goshav, and Khalili, Shiva. (2015). The relationship between morality, personal values, and marital satisfaction among couples in the city of Moghan. *Family Counseling and Psychotherapy*, 5(1), 116-130.
- Shokri, Arezo, Shafiabadi, Abdollah and Dokaneifard, Farideh. (2019). The mediating role of marital satisfaction in the relationship between ego strength and career success. *Educational Management Research*, 11(44), 177-194. [In Persian]
- Tong, W., Jia, J., He, Q., Lan, J., & Fang, X. (2021). The trajectory of marital satisfaction among Chinese newlyweds: Intrapersonal, interpersonal, and stress predictors. *Developmental Psychology*, 57(4), 597.
- Zolfagharpour, Mahboobeh, Hosseinian, Simin and Yazdi, Seyedeh Munawarah. (2004). Investigating the relationship between the power structure in the family and marital satisfaction of working and housewife women in Tehran. *Consulting Research (Consulting News and Research)*, 3(11), 31-46. [In Persian]

